

- ۱..... تشبه نساء به رجال و رجال به نساء:
- ۲..... نظر استاد درباره طائفه اول روایات:
- ۳..... جمع بندی مطالب:
- ۴..... طائفه دوم روایات: در مورد لباس
- ۴..... روایت اول: روایت سماعه بن مهران
- ۴..... روایت دوم: روایت سماعه
- ۴..... بحث سندی روایات:
- ۴..... بحث دلالتی روایات:
- ۵..... روایت سوم:
- ۵..... حاصل بحث:

### تشبه نساء به رجال و رجال به نساء:

در این موضوع روایاتی وارد شده است که یک طائفه ای از این روایات، روایاتی بود که در آن تشبه یا تأنث و تأنیث آمده بود. و ظاهر آنها هم لعن بود، با بیانات سنگین که خود لعن از تعابیر خیلی سنگینی است که به ظاهر آن اگر نگوییم به صراحت، به ظهور بسیار قوی دلالت بر حرمت می کند. این مجموعه از روایاتی که لعن به

متشبهین و متشبهات بود، که صراحت یا ظهور قوی آنها در حرمت بود. این یک طائفه بود که اینها را ملاحظه کردید.

### نظر استاد درباره طائفه اول روایات:

این بود که اولاً از نظر سندی هیچ کدام از اینها اعتبار ندارد، یا رجال آن ضعیف است خیلی از آنها هم مقطوعه و مرفوعه است. و در میان اینها سند صحیحی وجود ندارد. آن روایت پنجم طبق ترتیبی که آقای مکارم آورده بودند که روایت سوم از مکارم الاخلاق نقل شده روایت سماعه در کتاب مرحوم آقای تبریزی رضوان الله تعالی علیه آمده که اولش ایشان دارند که الروایه معتبره، ولی ذیلش معلوم می شود که معتبر نیست. ظاهراً آن اشتباه چاپی یا در کتابت چیزی باشد. چون آن روایت اصلاً صاحب مکارم الاخلاق نقل کرده از سماعه و سند ذکر نشده است. و لذا این ظاهراً اشتباهی در نسخه است. حالا یا خود ایشان در کتابت اشتباهی شده، یا اینکه در چاپ و اینها اشتباهی شده، به هر حال آن روایت معتبر نیست. بنابراین عرض اول این بود که اینها به لحاظ سندی هر یک از اینها اعتبار ندارد. گفتیم که لا یبعد به اینکه این کثرت روایات در اینجا با عنایت به اینکه آن شروطی که ما در جای خودش برای کثرت روایات گفتیم که می شود آنها را معتبر کرد از باب قاعده ذم احادیث، بعید نیست که آن را در اینجا جاری بکنیم و بگوییم که این روایات اعتبار دارد. این بحث اول که از نظر سندی این اشکال در آن هست، گرچه با روش خاص ممکن است بگوییم که نوعی وثوق به صدور در مجموعه روایاتی که متعدد است مخالف عقل نیست و مخالف ضوابط کلی شرع نیست و از موضوعات مختلف فیه بین الادیان و المذاهب که در مظان ... جعل و اینها است این هم نیست. و با توجه به اینها بعید نیست که بگوییم یک نوع وثوق به صدوق اینجا پیدا می شود. نتیجه دیگری هم که باید از مباحث گذشته از نظر دلالتی بگیریم این است که در اینجا یک روایت از میان این روایات هست که این تشبه را معنا می کند. و آن به تخلص و واللاتی ینکحن بعضهن بعضا است. که از شمول این مفهوم خارج می شود با این تفسیری که در این روایت آمده است. و در حقیقت به نحوی این روایت هفتم در این بیان آقای مکارم در واقع این روایت مفسر بقیه می شود. مفسر که آمد حاکم بر سایر است و همه می شود همان اللاتی ینکحن بعضهن بعضا و اگر این باشد این روایات حکم جدیدی را نیاورده، در واقع روایات دارد می گوید که لواط و مساحقه را منع می کند. که حکم لواط و مساحقه هم از احکام بینه و بدیهیه شرعیه است. این روایات آنوقت جز تأکید بر این حکم چیزی ندارد. این هم مطلب دومی بود که گفتیم این روایات اگر سندش هم درست بشود و دلالتش را هم بر حرمت بپذیریم که در بحث اول گفتیم که بعید نیست از نظر دلالت مفهوم این روایات و محدوده دلالت اینها همان لواط و مساحقه است. یا عملیاتی و امور شهوانی که که بین اینها تبادل می شود. تعمیمی

که می توانیم بدهیم حداکثرش به این است که بگوییم لواط و مساحقه و آنچه که از عملیات شهوانی که بین دو جنس موافق انجام می شود. آنها را در بر می گیرد.

نکته ای که اینجا می ماند این است که این مخنتی که در روایت ابوخیثمه آمده که المختنون و اللاتی ینکحن بعضهم بعضا، این مخنت دو جور معنا شده، یک معنا طوری که آقای مکارم از مقایسه و اینها نقل کرده اند. این است که من کان فی حلین ۹/۳۱ و التکثر مثل النساء کسی که خودش را به حالت های زنانه در می آورد. که این در اینجا آمده ولی به معنای ملوط و لواط و اینها هم وارد شده است. این امرش مردد است بین اینکه آن مخنت در معنای دوم باشد، یا معنای اول باشد و نمی شود ما اینجا معنای اول را بگیریم. چون بین این دو مردد است و بعید نیست با توجه به قرائنی که در اینجا هست و اینها حمل بشود بر آن مساحقه و لواط، حداکثرش این است که بگوییم که این روایاتی که در آنها تشبه یا تأیث بود، شامل آن حالت های زنانه گرفتنی که موجب تهییج شهوانی می شود و جزء مقدمات امور حرام می شود شاید شامل آنها بشود. به خاطر کلمه تأیثی که در آن روایت بود و احتمالی که در مخنت هست، این است که حداکثری که ما اینجا می توانیم بگوییم این است که بگوییم از این روایات دو چیز استفاده می شود. یکی همان مساحقه و لواط که آن همجنس گرایی باشد. روایات ناظر به آن است که حرمتش واضح است و یکی هم آنچه که از مقدمات این امور و تهییج شهوانی به حساب می آید آن مقصود است. که این هم نیاز به دلیل خاص ندارد. این چیزهایی که مقدمات امور به حساب می آید و دیگران را در معرض گناه و اینها قرار می دهد. این طبق ادله اشکال دارد. و لذا حد اکثری که می شود روایات را تعمیم داد آن علاوه بر شق مساحقه و لواط آن حالت های زنانه بودن که جزء امور مهیجه و مقدمات این محرمات به حساب می آید حداکثرش این است. این هم به خاطر کلمه مخنت است که ممکن است معنایش کمی وسیع تر از مساحقه و لواط است. و آن رجل به تأیث که در مسجد رسول الله بود. این دو عنوان را اگر بخواهیم کمی تعمیم بدهیم، حداکثرش این است.

### جمع بندی مطالب:

بنابراین در مجموع ما در این روایات که سندش را ممکن است به آن بیانی که عرض کردیم بپذیریم. از نظر فقهی و دلالتی چیز جدیدی به ما نمی دهد. ولی تأکید بالایی است. چون این تأکیدات ارزشش این است که در کنار تأکیدات دیگر گناه را می شود، گناه کبیره اش بکند. یا در سلسله گناهان کبیره این را جزء اکبر کبائر یا کبائر درجه بالا قرار می دهد. ولی خیلی هم مهم نیست. چون بحث لواط و مساحقه روایات معتبر و متکثر و اینها فراوان دارد. حاصل سخن این است که این روایات چیز جدیدی نمی گوید و دو مدلول دارد. و مدلول آن دو بخش دارد، یکی

مساحقه و لواط است. و یکی هم حالتهای زنانه مهیج است. که جزء مقدمات این محرمات به حساب می آید که پیامبر هم با آن شکل با او برخورد کردند و از مسجد بیرونش کردند و امثال اینها. نکته دیگری که باید اینجا اضافه بکنیم این است که این دیگر اختصاص به صوت و حالتهای ادا و اطوار در قیافه یا لباس ندارد. همه را می گیرد. به این معنا هر نوع ادا و اطوار و حالات زنانه که موجب امور شهوانی بشود، این به خاطر اینکه مشمول این روایات است و اگر این روایات هم نبود از باب اعانه بر اثم و از باب امور مهیجه حرام بود، حرام است. این سواء کان فی لباس أو فی منظر أو فی لحن کلام و ما الی ذالک هر چه که مرد را در معرض زنانگی قرار بدهد. و جزء امور مهیجه و امثال اینها باشد.

### طائفه دوم روایات: در مورد لباس

#### روایت اول: روایت سماعه بن مهران

که روایت مقطوعه ای است و در مکارم الاخلاق همه جور از سماعه بن مهران آمده است. عن ابی عبدالله و ابی الحسن علیهم السلام فی الرجل یجر السیابه کسی لباس بلند پوشیده مثل زنها. حضرت فرمود: أنى لأکره أن یتشبه بالنساء. من دوست ندارم که مرد خودش را شبیه به زنها قرار بدهد. این در لباس است. سؤال در لباس است ولی البته جواب لأکره أن یتشبه بالنساء است. تشبه است.

#### روایت دوم: روایت سماعه

که در اینجا مربوط به لباس است. باز روایت سماعه است که باز مقطوعه است. کان رسول الله صل الله علیه و آله و سلم یزجر الرجل أن یتشبه بالنساء و ینهی المرأه أن تتشبه بالرجال فی لباسها. که این هم بیشتر بحث لباس و اینها مطرح شده است.

#### بحث سندى روایات:

این دو روایت هم سندهایش معتبر نیست.

#### بحث دلالى روایات:

این است که در آن روایت اولش اگر محل اختلاف است که آیا دلالت بر حرمت می کند؟ یا نمی کند؟ بعضی گفته اند دلالت بر حرمت می کند، بعضی گفته اند دلالت بر حرمت نمی کند. و مواردی که در حرمت به کار رفته در روایات داریم، موارد کراهت هم داریم. و برای من نهایی نشده که یک طرفه باشد. این کراهت اصطلاحی است

که متأخر است. در آن زمان این اصطلاح نبوده است. و لذا قدیم بیشتر من مایل به این بودم و آقای خوئی هم همین نظر را داشتند که کراهت به معنای مصطلح مقابل حرمت اصلاح جدید است. و در آن زمان به معنای مغبوضیت بوده و ظهورش در حرمت است. این در مصطلحات متأخره پیدا شده است. در اصول ائمه معلوم نیست که این وجود داشته باشد. و کراهت مقابل حرمت باشد. این اصطلاح و متأخر و اینها را آقای خوئی فرمودند. اما من در این تردید دارم باید بحث بیشتری بشود. فکر می‌کنم در کتب همان زمان و فتاوا و چیزهایی که فقها داشتند. این اصطلاح در همان زمان شکل می‌گرفت، احتمال آن برایم تقویت شده است. و لذا اگر نگوییم ظهور در آن دارد، لاقلاً اجمال دارد نمی‌شود حرمت را از آن به دست آورد. این البته نیاز به تتبع دقیقی دارد. با توجه به اینکه روایات لعن و چیزهای دیگر هم اینجا بود بعید نیست که بگوییم اطلاقی در این نیست که مطلق تشبه در لباس باشد. و لو جزء مقدمات حرام و تهییج امور شهوانی نباشد. این بعید است که آنطور اطلاقی داشته باشد. یعنی مناسبات حکم و موضوع و قرائن خارجی و اینها بعید است که بگذارد اطلاقی در این تمام بشود.

#### روایت سوم:

هم همینطور است. اولاً سندش ضعیف است و البته در آنجا کراهت نیست. یزجر الرجل عن یتشبه بالنساء و ینهی المرأ أن تتشبه بالرجال فی لباسها. آن هم اطلاق دلالتش با توجه به سایر قرائنی که در این بحث بود محل خدشه است.

#### حاصل بحث:

حاصل کلام این شد که جز دو مورد بیش از این نمی‌توانیم قائل به حرمت بشویم. یکی تشبیهی که تشبه رجال به نساء و نساء به رجال است. همان تشبه در عملیات زنا شوئی است. که مساحقه و لواط می‌شود این یکی است که حرمتش هم از واضحات فقه است. روایت هم نبود همین بود. دوم حداکثری که می‌شود از این روایات استفاده کرد. اما سایر اقسام من التشبهات که بیاید آن تغییر جنسیت و اینها که بحثش جدا است. به نحو ژنتیکی و به نحو جراحی و اینها است. و آنجایی که در معرض تهییج شهوانی نباشد، چه تشبه به عملیه جراحیه باشد، چه تشبه در پوشیدن لباس متقابل باشد، اینها اشکالی ندارد. گفتیم از دو حیث است یکی از حیث تهییج شهوانی که دلیل داریم و یکی هم اعانه، بنابر آن مبنای ما که اعانه را مطلق می‌دانستیم. در غیر مساحقه و لواط. ما می‌گوییم دو چیز حرام است یکی مساحقه و لواط و اینها یکی هم آن تشبهاتی که در معرض امور شهوانی است و جزء مقدمات آن حساب می‌شود. به سه دلیل یکی خود این روایات، یکی هم عنوان تهییج شهوانی و یکی هم اعانه بر اثم اینها عناوینی است که سه دلیل پیدا می‌کند. اما از این دو تا که بگذریم، سایر موارد حرمتی ندارد. اگر نمایشی یا تعزیه

ای نمایش می دهند لباس زن و مرد می پوشند، این مانعی ندارد، جاهایی که اصلاً تهییجی نیست، بلکه موضوع حزن و اندوه می شود. و این بحثها نیست. هیچ چیزی از عنوان تهییج و اینها در آن نیست. در یک تئاتر و فیلم و در یک نمایش است، مانعی ندارد. چه به نحو اینکه انواع تشبهاات در مرعی و منظر و در تزیین و لحن باشد و در لباس باشد. اینها هیچ کدام مانعی ندارد. ولی ظاهرش این است که با ادله نمی شود گفت دلیلی که آدم به طور متقن بتواند بگوید اینها اطلاقی دارد و اینها حرام است این حرمتی ندارد. حتی آن عملیه جراحیه که برای زیبایی انجام می دهد و کمی او را به زن شبیه تر می کند. ولی آن چیز تهییجی و این حرفها در آن نیست. آن هم مانعی ندارد. مثلاً عرفی باشد که منظم کردن ابرو که جزء امور شهوانی و اینها به حساب نمی آید. رفته کاری کرده که ابرویش را مرتب کرده و به نحوی ممکن است نزدیک به زن بشود ولی مانعی ندارد. اینها مادامی که آن عنوان برایش صادق نباشد. غیر از مساحقه و لواط عنوان تهییج و اینها در آن نباشد. نفس تشبه بما هو تشبه اشکالی ندارد. سواء بعملیه جراحیه و بعملیات تکنیکی یا به آن هنر نمائیهای در لحن و صوت و اینها که برای بچه ها بازی در می آورند که مثل دختر حرف می زنند. یا در لحن و صوت و در لباس باشد، اینها خیلی دلیل متقنی ندارد.